

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اپریل ۲۰۱۹

استقبال ارگ از "افاضات" محمد جواد "ظریف" وزیر خارجه رژیم "ولایت فقیه"

پنجشنبه- ۰۵ ثور ۱۳۹۸ - کابل: مطلبی را که در یادداشت امروز اندکی بدان پرداخته خواهد شد، صحبت محمد جواد "ظریف" وزیر خارجه رژیم "ولایت فقیه" است در مورد چگونگی روابط امریکا با طالبان و تقبیح دور زدن حکومت افغانستان به وسیله امریکا حین مغازله با طالب.

۱- هرگاه موضعگیری فعلی "ظریف" را فقط با موضعگیری یکی دو ماه قبل وی، مقایسه نمایم متوجه می شویم که چرخش و از این موضع به آن موضع خیز زدن، مرضی نیست که تنها گریبانگیر به اصطلاح سیاستمداران افغانستان شده باشد، بلکه مرضی است ساری که دامنگیر تمام زعمای منطقه و جهان گردیده و منبع آنهم وضعیت در حال جوشش و نا آرام منطقه و جهان و تغییراتیست که به صورت ناگهانی در آن رخ می دهد.

"ظریف" قبلاً گفته بود که "آینده افغانستان بدون در نظر گرفتن طالب غیر ممکن است، با این ملاحظه که رهبری آنها از جانب ما پذیرفتنی نیست"- نقل به مضمون- شما به خاطر دارید که به محض بیرون شدن این جملات از دهن ظریف، با اشاره ارگ به خصوص "توپخانه جفنگ سرائی آن مرتضوی"، سیلی از انتقادات به استقامت ظریف آغاز یافته، سنگ و چوب را وادار نمودند تا علیه رژیم ولایت فقیه موضع گرفته، حتا آنهایی را که در قبال اشغال کشور به وسیله ۴۴ کشور سکوت مرگ اختیار نموده بودند، با گذاشتن خار مگیلان در نشیمنگاه شان به قرتک واداشتند و صدا بلند نمودند که "نمانید ایران مداخله کرد و از طالب نام برد".

همان ظریف دیروز، امروز باز هم همان معنا و مفهوم را با عبارات دیگر و اندکی پس و پیش کردن افعال بیان داشت، گفت که ما با طالبان رابطه داریم، گفت که کسی نمی تواند منکر نقش طالب در آینده افغانستان بگردد و گفت که تمام مسایل می باید در هماهنگی و زیر نظر حکومت افغانستان حل و فصل شود، و طبق معمول آخوندی که بعد از و برای بیان هر مصیبتی گریزی به صحرای کربلا می زنند و از دنانت و خبائت "ابن سعد، شمر، و یزید" نام می برند، گریزی به سیاست های امریکا زده، زیر نام "دورزدن حکومت افغانستان" در حقیقت تحرکات فعلی "زلمی خلیل زاد" را محکوم نمود.

۲- از آن جایی که این دو موضعگیری هر دو یکسان و حاوی یک معنا است، سکوت ارگ و توپخانه جفنگیات آنها "مرتضوی" می تواند قابل تفاهم باشد، آنها در سخنان "ظریف" بیان اهداف خود را می بینند، لذا اگر مداخله هست و یا

نیست برای شان بی تفاوت است، مگر دیگران یعنی آنهایی که بار اول سخنان ظریف را چنان مداخله جویانه تبلیغ نمودند که به ذکر قرینه های تاریخی و لشکرکشی "شاه محمود هوتکی" و فتح اصفهان نیز پرداختند، می شود پرسید فعلاً کجا هستند و چرا ظریف را به نسبت مداخله در امور افغانستان محکوم نمی دارند؟ و چرا همان حرفهائی را می زنند که "غنی احمدزی" نشخوار می نماید؟ چرا فعالیت های به اصطلاح صلح طلبانه "خلیلزاد" را دور زدن حکومت افغانستان دانسته، با آن مخالفت می ورزد؟ چرا از یک سو شریک دزد می گردد و از جانب دیگر می خواهد پاسبان قافله باشد؟ هرگاه صحبت دیروز "ظریف" مداخله در امور داخلی افغانستان بود و باید محکوم می شد، سخنان امروز نیز مداخله در امور داخلی و روابط بین المللی افغانستان با به اصطلاح "شریک ستراتژیک" آن یعنی ایالات متحده امریکاست و می باید محکوم گردد؟

این چرخش ها و چرخ فلک سواری های سیاسی افراد را که عمدتاً مبتنی بر منافع طبقاتی و ملی شان است، می توان فهمید مگر حامیان و مخالفان چنین چرخ فلک سواری ها که دال بر پائین بودن سطح دانش آنها بوده بیانگر آن است که چنان مدافعان و مخالفانی تا هنوز دوران "صباوت در سیاست" را سپری ننموده اند، گذاشته می پردازیم به این سؤال که چرا دیروز "ظریف" سخنانش را چنان بیان داشت که خوش "طالب" آمد، مگر امروز قسمی آن را بیان داشت که مورد پسند ارگ نشینان قرار گرفته، سخنان "ظریف" در سرخط رسانه های داخلی اعم از آشکارا دولتی و دولتی پنهان قرار گرفت:

ادامه دارد